

## ریخت‌شناسی داستان‌های «فرج بعد از شدت»

عصمت اسماعیلی\* - نیره نبی‌زاده\*\*

### چکیده

ریخت‌شناسی دیدگاهی جدید در زمینه‌ی نقد و تحلیل آثار ادبی است که در قرون اخیر توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است. در این دیدگاه ساختمان یا قالب آثار بررسی می‌شود و تأثیرپذیری مضمون از قالب و ساختار از محتوا آشکار می‌شود. ما با این دیدگاه به بررسی حکایت‌های کتاب «ترجمه فرج بعد از شدت» پرداخته‌ایم تا به این وسیله ضمن مورد توجه قرار دادن یکی از آثار مهم کلاسیک فارسی، به متناسب بودن ساختمان این حکایت‌ها با محتوای آن‌ها اشاره کرده و به این وسیله به ارزش و ارج این‌گونه آثار پی ببریم. با بررسی این حکایت‌ها به این نتیجه رسیدیم که حکایت‌های این کتاب دارای ساختاری مشابه و یکسانند که تحت تأثیر محتوای دینی - مذهبی و نگرش خاص اعتقادی نویسنده شکل گرفته‌اند.

**کلیدواژه:** داستان، ساختار، ریخت‌شناسی، فرج بعد از شدت

### مقدمه

ادبیات و به ویژه ادبیات داستانی هر قوم و ملتی منبع موثق و سرشاری از اطلاعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و منعکس‌کننده‌ی شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دینی آن قوم در دوره‌های متفاوت تاریخی است. ادبیات داستانی یکی از غنی‌ترین بخش‌های ادبیات فارسی است که به شکل منظوم و منثور در سراسر تاریخ ادبیات ما گسترده شده است و حضوری فعال داشته است. مطالعه‌ی این بخش ما را در شناختن فرهنگ و ادب ایرانی از گذشته‌های دور و تأثیرپذیری این

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان، عهده‌دار مکاتبات [es\\_esmaeili@yahoo.com](mailto:es_esmaeili@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ از فرهنگ‌های دیگر یاری خواهد کرد.

یکی از راه‌های مطالعه‌ی این آثار، توجه به فرم آن‌هاست که در دوره‌های گذشته کم‌تر بدان توجه شده است. توجه به فرم و ساختار آثار ادبی، ابتدا در مکتب فرمالیسم مورد توجه قرار گرفت و سپس با نظریه‌های ساختارگرایی که بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی دوسوسور (یکی از زبان‌شناسان معروف سوئیسی) مطرح شده بود، در مورد ساختار داستان‌ها دنبال شد و پس از آن ریخت‌شناسی قصه‌ها برای اولین بار توسط فولکلورشناس مشهور روسی «ولادیمیر پراپ» انجام شد. کار ارزشمند او بعدها الگو و راهنمای تحقیقات بسیاری در این زمینه شد و محققان در علوم مختلف سعی در شناختن ساختار آثار ادبی کردند. در این تحقیق نیز الگوی ریخت‌شناسی پراپ با اندکی تغییر که با فضای داستان‌های فارسی تطبیق دارد، مورد توجه قرار گرفته است و با استفاده از عناصر مشخص شده‌ی پراپ حکایت‌های کتاب فرج بعد از شدت ریخت‌شناسی شده است.

## ریخت‌شناسی

اولین توجه به ساخت و ظاهر آثار ادبی در مکتب فرمالیسم صورت گرفت و به همین مناسبت نام فرمالیسم بر آن‌ها اطلاق شد؛ و آن‌ها معتقد بودند هر متن ادبی باید فقط از حیث ادبیت مورد پژوهش قرار بگیرد و به آن پرداخته شود.

فرمالیست‌ها معتقدند متن ادبی متنی است که در آن زبان ساختار عادی خود را از دست می‌دهد و این متن، کارکرد زبانی ویژه است. برای شناختن این زبان باید از قوانین زبان‌شناسی دوسوسور استفاده کرد. سوسور معتقد است زبان نظامی از نشانه‌هاست که این نشانه‌ها بر پایه‌ی روابط متقابل، قابل شناخت هستند و در قالب نظام منسجم و به هم پیوسته، مفهوم و معنا می‌یابند. او بر پایه‌ی این نظریات قواعدی برای زبان اثبات کرد که مفاهیم «درزمانی»، «هم‌زمانی»، «جانشینی» و «هم‌نشینی» «لانگ» و «پارول» در آن تعریف می‌شد. در نظریه‌ی سوسور یک جمله در پیوند با جملات دیگر و در یک ساختار منسجم مفهوم پیدا می‌کند؛ و هر نشانه (کلمه) از دو جزء تشکیل شده است: دال و مدلول. «دال»، همان آوا یا نوشتار است و «مدلول» مفهوم عینی و بیرونی آن است. هم‌چنین سوسور به این نکته اشاره کرد که رابطه‌ی هر نشانه در زبان با مفهوم آن، رابطه‌ای قراردادی و اختیاری است و در هر جامعه با توجه به قوانین آن جامعه متفاوت است. (نظریه ادبیات/۱۹).

پراپ در جای دیگر در مورد تنوع و گوناگونی قصه‌ها و مواد تشکیل دهنده‌ی آن‌ها می‌گوید: «قصه‌ها نیز مانند علوم دیگر انواع مختلف دارند و نمی‌توان آن‌ها را در یک گروه

جای داد و به راحتی تقسیم‌بندی کرد بلکه باید آن‌ها را از نظر مواد و اجزای تشکیل‌دهنده به گروه‌های متمایز تقسیم کرد تا بتوانیم اطلاعات درستی به دست آوریم». پراپ در این مورد می‌گوید: «به خاطر تنوع و گوناگونی قصه‌هاست که نمی‌توان آن‌ها را یک‌باره با تمام بسط و شمولش بررسی کرد و باید مواد قصه را به بخش‌هایی تقسیم نمود و رده‌بندی کرد که درستی تمام مطالعات بعدی وابسته به درستی رده‌بندی است». (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان/۲۵).

شخصیت‌های اصلی که پراپ در این قصه‌ها برمی‌شمارد، عبارتند از: قهرمان، شاه‌دخت، بخشنده، دوستان قهرمان، فرستنده‌ی قهرمان، شریر و قهرمان دروغین.

### پراپ و ریخت‌شناسی

ولادیمیر یاکف لویچ پراپ در آوریل ۱۸۹۵ در سن پترزبورگ در یک خانواده‌ی آلمانی به دنیا آمد و در رشته‌ی فقه‌اللغه (فیلولوژی) روسی و آلمانی فارغ‌التحصیل شد و به تدریس زبان آلمانی در دبیرستان پرداخت. در سال ۱۹۳۲ به عضویت هیأت مدرسین دانشگاه لنینگراد پیوست و تا آخر عمر در همان مقام باقی ماند.

در سال ۱۹۲۸ نخستین کتاب خود به نام ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه را به چاپ رساند که حاصل تحقیقات وسیع او در طی این سال‌ها بود. این کتاب در زمان انتشار آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت و بعد از سی سال که از چاپ آن می‌گذشت وقتی به زبان انگلیسی ترجمه شد، در میان فولکلورشناسان اروپایی با استقبال کم‌نظیری روبه‌رو شد و مورد تحسین قرار گرفت. محققان و پژوهش‌گران بسیاری از آن الهام گرفتند و «ریخت‌شناسی» به عنوان یک علم جدید و مفید مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران قرار گرفت. (ر.ک. ریخت‌شناسی قصه‌های پریان).

بعدها افرادی چون «تودورف» و «گرماس» سعی در تکمیل طرح او کردند. برخی از این محققان پیش‌نهاد کردند که ساختار ۳۱ کارکردی او به کارکردهای کم‌تری تقلیل یابد و در این زمینه تلاش‌هایی کردند؛ از جمله منقدان علاقه‌مند در این راه را می‌توان «کلودلوی استراوس» نام برد که نقد دوستانه‌ای بر کتاب پراپ نوشت و با این کار خود، اسم او را در فرانسه به شهرت رساند و در آمریکا نیز «دانس» پراپ را پرآوازه کرد. این کتاب رساله‌ی دکتری پراپ بود و پراپ در سال ۱۹۳۹ هم‌زمان با شروع جنگ جهانی از آن دفاع کرده بود. (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، مقدمه). او در این کتاب به ریخت‌شناسی صد قصه از قصه‌های پریان پرداخت و به یک نظام خویشاوند در آن‌ها دست یافت. پراپ این قصه‌ها را

در سی و یک کارکرد، ساختارشناسی کرد و شخصیت‌های محوری که این قصه‌ها با آنها جریان می‌یافت، در قالب هفت شخصیت تعریف کرد.

پراپ در قصه‌های پریان کارکردهایی را مشخص کرد و به هر کدام از آنها نشانه اختصاری از حروف الفبای لاتین اختصاص داد، که برخی از آنها به شرح زیر است:

صحنه‌ی آغازین (a)، غیبت (β)، نهی (γ)، نقض نهی (δ)، خبرگیری (ε)، خبردهی (ζ)، فریبکاری (η)، شرارت (A)، میانجی‌گری (B)، مقابله‌ی آغازین (C)، عزیمت (↑)، نخستین خویش‌کاری بخشنده (D)، واکنش قهرمان (E)، دریافت شیء جادو (F)، انتقال (G)، کشمکش (H)، داغ گذاشتن (J)، پیروزی (I)، رفع مشکل (K)، قهرمان باز می‌گردد (↓)، تعقیب (pr)، رهایی (RS)، ناشناخته (O)، ادعاهای بی‌پایه (L)، کار دشوار (M)، حل کار دشوار (N)، شناخته شدن (Q)، رسوایی (EX)، تغییر شکل (T)، مجازات (U)، عروسی (W)، صورتهای نامشخص (X). (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ص ۲۷۳).

البته ما از همه‌ی این عناصر در ریخت‌شناسی حکایت‌ها کتاب فرج بعد از شدت استفاده نکرده‌ایم؛ چون ساختار این‌گونه حکایت‌ها با نگرش اعتقادی و مضمون دینی آنها، باعث می‌شود برخی از این عناصر را که مختص حکایت‌های پریان است، مثل داغ گذاشتن، در ساختمان این حکایت‌ها نمودی نداشته باشد. همچنین مفهوم این کارکردها در این حکایت‌ها با مفاهیم آنها در قصه‌های پریان متفاوت است. شخصیت‌های حکایت‌های فرج بعد از شدت را می‌توان در چهار گروه زیر جای داد:

قهرمان، بخشنده، یاری‌گر یا دوستان قهرمان و شریر که در بخش بعدی مقاله پس از آشنایی کلی با کتاب ترجمه فرج بعد از شدت به آن خواهیم پرداخت.

### کتاب ترجمه‌ی فارسی فرج بعد از شدت

فرج بعد از شدت اثری داستانی است که از ظرفیت تحلیل شکلی برخوردار است. اصل این کتاب به زبان عربی است و توسط قاضی محسن تنوخی در قرن چهارم نوشته شده است. تنوخی در سال ۳۲۷ هجری در بصره به دنیا آمد و در شهرهای اهواز و بغداد زندگی کرد و فرج بعد از شدت مهم‌ترین کتاب اوست که حسین بن اسعد دهستانی در قرن هفتم آن را به فارسی ترجمه کرد. نثر این کتاب با جملات طولانی و کلمات مترادف و مسجع است و از آیات و عبارات عربی در آن به وفور استفاده شده است.

این کتاب ابتدا توسط محمد عوفی ترجمه شده است ولی از اثر مستقل عوفی به عنوان ترجمه‌ی این کتاب چیزی به دست ما نرسیده است گر چه رد پای برخی داستان‌های

آن در *جوامع‌الحکایات* عوفی قابل شناسایی است - که شناسایی و بحث درباره‌ی آن پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد - و ترجمه‌ای که هم‌اکنون در دست است ترجمه‌ی دهستانی است. دهستانی به خاطر داشتن مقام و منصب در دربار حاکمان خراسان، ترجمه‌ای کامل از خود به جا گذاشته است و با افزودن تعدادی حکایت‌ها به این کتاب و اشعار زیبا در پایان حکایت‌ها و نیز آوردن فصل‌هایی در پایان حکایت‌ها که کارکرد ویژه‌ی آن‌ها را بیان می‌کند، کتابی خواندنی به یادگار گذاشته است. دهستانی ترجمه‌ی این کتاب را *جامع‌الحکایات* نامیده است. اما در میان اهل ادب با عنوان ترجمه‌ی کتاب *فرج بعد از شدت* مشهور شده است.<sup>۱</sup>

موضوع این کتاب داستان‌هایی است در شرح احوال افرادی که به سختی و بلایی گرفتار می‌شوند و با دعا و استعانت از باری تعالی به یاری خداوند از آن بلا نجات می‌یابند و می‌توان گفت به نوعی با بلا آزموده می‌شوند.

همان‌طور که از اسم کتاب پیداست در همه‌ی داستان‌ها بدون استثنا مشکلی وجود دارد که با توکل به خدا، مشکل و شدت به فرج و دشواری به آسانی و گشایش منتهی شده و حل می‌شود و رهایی از بلا به نوعی پاداشی است که به خاطر توکل به خدا نصیب دعاکننده‌ی مبتلا می‌شود. این مشکلات در همه‌ی داستان‌ها وجود دارند ولی نوع آن‌ها متفاوت است. نویسنده، کتاب را به سیزده باب تقسیم کرده است که به نظر، این تقسیم‌بندی بر اساس بن‌مایه‌ی مشترک حکایت‌های هر باب است و ما از نظر ساختاری با ساختار مشابه و یکسان در داستان‌های هر باب روبه‌رو هستیم. نویسنده در ابتدای هر باب درون‌مایه‌ی آن را در چند سطر به‌طور خلاصه بیان کرده است.

هدف محوری نویسنده از نوشتن این کتاب و ذکر حکایت‌ها، باز کردن تأثیر دعا و توکل است و آمدن آیات قرآنی در ادامه‌ی این حکایت‌ها مانند شاهدمثال‌هایی است که برای تصدیق سخنان نویسنده آمده است و این حکایت‌ها به نوعی تفسیر اجتماعی آیات در زندگی روزمره‌ی انسان‌هاست. و مفهوم داستان‌ها با این آیات و دعاها کاملاً به هم مرتبط هستند و مضمون واحدی را می‌رسانند. نویسنده از این حکایت‌ها برای بیان تأثیر دعا و ترویج فرهنگ دینی خود استفاده کرده است.

در دو باب اول مؤلف ابتدا به حمد و ثنای خدا و سپس به مدح حضرت محمد(ص) می‌پردازد و این‌که خداوند برای راهنمایی بندگان خود پیغمبر را فرستاده است تا با کمک ایشان و هدایت قرآن، از ظلمت و گمراهی نجات یابند و به سوی او حرکت کنند. و

<sup>۱</sup> - ارجاعات این مقاله نیز از این کتاب مربوط است به ترجمه‌ی این کتاب با مشخصات زیر: «فرج بعد از شدت»، تنوخی، با تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی، تهران، انتشارات امید مجد، ۱۳۸۷.

در آخر به مدح طاهرین زنگی الفریومدی پرداخته است و سبب تألیف این کتاب را، خواهش ارباب حقایق برای به تصویر کشیدن فضایل و برتری طاهرین زنگی و آسایش مردم در زمان حکومت او بیان می‌کند و بیان این‌که مردم در دوران حکومت او بعد از سختی به آسایش و راحتی رسیده‌اند. از علت‌های دیگر تألیف کتاب به گفته‌ی نویسنده، شرح حال افرادی است که بعد از سختی و بلایی، به رفاه و آسایش رسیده‌اند و ذکر احوال آن‌ها برای آیندگان مفید است. چون وقتی افراد مختلف در آینده به مشکلی دچار می‌شوند، به سرگذشت گذشتگان در این باب مراجعه می‌کنند و از لطف حق تعالی مأیوس نمی‌شوند. (ر.ک. فرج بعد از شدت). دهستانی ضمن ترجمه‌ی کتاب اشعاری را نیز متناسب با موضوع داستان‌ها آورده است که به شیرینی سخن می‌افزاید و در اصل عربی کتاب موجود نیست.

### تحلیل ریخت‌شناسانه حکایت‌ها

طرح این داستان‌ها ساده است و مشکلاتی که موضوع سخن هر کدام از آن‌ها قرار می‌گیرد، مختلف و متنوع است ولی مسیر حرکت داستان‌ها یکی است و این مشکلات در ابتدای هر یک از داستان‌ها باعث حرکت آن‌ها می‌شود. این حکایت‌ها صرفاً برای رساندن پیام آورده شده‌اند و هیچ‌گونه اطناب و فضاپردازی داستانی و دیگر عناصر داستانی در آن‌ها وجود ندارد و پیچ و خم‌هایی که داستان را به اوج و فرود می‌برد در این حکایت‌ها به چشم نمی‌خورد؛ به علت تأثیر نگرش اعتقادی نویسنده در نهایت همه‌ی مشکلات حل می‌شود و کمبودها التیام می‌یابد. به اعتقاد نویسنده تأثیر دعا و توکل بر خدا هر مشکلی را حل می‌کند و این اعتقاد در همه‌ی کتاب به‌خوبی آشکار است.

از مهم‌ترین عناصر ریخت‌شناسی که ساختمان این حکایت‌ها را شکل می‌دهد می‌توان به شرارت، واکنش قهرمان، شیء جادو (یا امداد غیبی)، یاری‌گر، التیام کمبود و عنصری که به عنوان عناصر کمکی ظاهر می‌شوند مثل خبرگیری، خبردهی و عزیزت اشاره کرد.

طرح حکایت‌های فرج بعد از شدت بر اساس طرحی است که از سه الگوی زیر پیروی می‌کند:

الف - الگویی که در آن مشکلی پیش می‌آید.

ب - الگوی روبه‌رو شدن با یاری‌گر.

ج - الگوی حل مشکل.

طرح این داستان‌ها ساده و به‌خاطر روحیه‌ی مذهبی - اعتقادی نویسنده پیرنگی

ضعیف دارند چرا که نگرش تقدیرگرایی حکایت‌های این کتاب باعث می‌شود رابطه‌ی علت و معلولی آن‌ها ضعیف شود.

چیزی که این‌گونه داستان‌ها را از داستان‌های دیگر متمایز می‌کند، تأکید نویسندگان این داستان‌ها بر مسایل اعتقادی - مذهبی است. تأکید این نویسندگان بر مسایلی چون، قضا و قدر و راضی بودن به رضای خدا و تسلیم در برابر اراده‌ی او باعث به وجود آمدن حوادث خلق‌الساعه می‌شود و گاهی روابط علت و معلولی وقایع را بر هم می‌زند. از آن‌جایی که قضا و قدر و مسایل این‌چنینی نقش تعیین‌کننده‌ای بر ذهن و زندگی انسان دیندار دارد، در داستان‌هایی با شخصیت‌های مذهبی نیز نقش پررنگ خود را نشان می‌دهد. نویسنده، با این اعتقاد رابطه‌ی علت و معلولی بین عناصر در این حکایت‌ها را ضعیف کرده است.

از آن‌جایی که هر موضوعی برای ماندگار شدن باید ثبت شود و ثبت کردن آن با کمک زبان امکان‌پذیر است. زمانی که یک رخداد تاریخی نوشته می‌شود، تبدیل به یک داستان از تاریخ شده است و به زبان دیگر، تاریخی است که داستانی شده است.

از نگاه برخی منتقدان ادبی مواد اولیه در داستان «تاریخ» است اما بسته به این‌که نویسنده چقدر از واقعیت دور شده باشد، جوهر تاریخی آن کم و زیاد می‌شود. داستان‌های تاریخی از این نظر از انواع دیگر داستان واقعی‌ترند؛ چون جوهر تاریخی در آن‌ها بیش‌تر است.

داستان‌های این کتاب نیز از جمله داستان‌هایی است که در رده‌ی داستان‌های تاریخی جای می‌گیرند و از ویژگی‌های این داستان‌ها این است که در قالب زبان شیرین داستان، بخشی از تاریخ را برای خواننده مرور می‌کنند و از این نظر بسیار حایز اهمیت هستند. چون وقایعی از تاریخ که در قالب داستان ثبت می‌شوند، ماندگارتر از بخش‌های دیگر تاریخ هستند.

این حکایت‌ها به خاطر شخصیت‌پردازی قوی در رده‌ی داستان‌ها قرار دارند و بیش‌تر این داستان‌ها از نوع داستان‌های کوتاه امروزی است. شخصیت‌های آن‌ها اکثراً صاحبان قدرت، از جمله وزرا و پادشاهان هستند و مشکلاتی که در روابط آن‌ها با یکدیگر و با زبردستان آن‌ها روی می‌دهد، موضوع سخن در این حکایت‌ها است.

یکی از نکاتی که جنبه‌ی واقع‌نمایی این حکایت‌ها را کاهش می‌دهد و رابطه‌ی علت و معلولی آن‌ها را ضعیف می‌کند، مستجاب شدن بلافاصله‌ی دعاهاست. اشخاص گرفتار در این حکایت‌ها به محض این‌که دعایی را می‌خوانند یا خواسته‌ای دارند، دعای آن‌ها اجابت و مشکلبشان برطرف می‌شود. در مواردی هم که بین دعا کردن و اجابت آن فاصله می‌افتد،

نهایتاً چند روز است. این مسأله از نگاه مخاطب امروز به آسانی پذیرفتنی نیست و از درجه‌ی حقیقت‌نمایی بسیار کم‌تری برخوردار است؛ امروزه به این‌گونه اتفاقات به چشم معجزه نگریسته می‌شود که به ندرت اتفاق می‌افتد؛ ولی این روند تقریباً در همه‌ی حکایت‌های فرج بعد از شدت وجود دارد.

تأثیر این دعاها بیش‌تر مواقع با بخشش از طرف شخص صاحب مقام نمود می‌یابد. نمونه‌های معدودی از این حکایت‌ها هم با پیرنگ قوی و بدون دخالت داشتن نیوهای غیبی جریان یافته‌اند که از جمله این موارد می‌توان به حکایت ۸۸ در صفحه‌ی ۵۷۵ اشاره کرد که در مورد مریض شدن شخصی و درمان او توسط زکریای رازی است.

نویسنده در ابتدای هر باب موضوع اصلی را در چند سطر به‌طور مختصر بیان می‌کند و پس از آن به نقل حکایت‌ها می‌پردازد. درون‌مایه‌ی همه‌ی حکایت‌ها تسلیم شدن در برابر سرنوشت و توکل داشتن به خداست.

تنوخی در این داستان‌ها به تشریح اوضاع جامعه پرداخته است و در لابه‌لای حکایت‌ها، روابط بین وزرا و حاکمان و زبردست‌های آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. در برخی از این داستان‌ها به شرح کامل جزئیات و احوالات درونی شخصیت‌ها می‌پردازد و از زبان آن‌ها عواطف و احساسات آن‌ها را بیان می‌کند.

هدف مؤلف رساندن پیام است ولی این پیام را در کنار اطلاعات تاریخی و با نثری موزون و مسجع آورده است. به همین دلیل این حکایت‌ها از جنبه‌های مختلف، قابل تحلیل و بررسی هستند. سایه‌ی نگرش اشعری‌گونه‌ی نویسنده، کاربرد کلمات و اصطلاحات عرفان و تصوف در سرتاسر موضوع حکایت‌ها و نثر کتاب به چشم می‌خورد. نشان دادن کلمات مترادف و هم‌جنس در کنار هم علاوه بر طولانی کردن جملات، گاهی باعث می‌شود خواننده، مقصود را گم کند و این شیوه‌ی توصیف و تشبیه در همه‌ی حکایت‌های کتاب مشهود است.

برای ریخت‌شناسی داستان‌های این کتاب نیازی نیست لزوماً از همه‌ی کارکردهای تعریف شده‌ی پراپ استفاده کنیم بلکه همان‌طور که محققان بعد از او هم به این نکته اشاره کرده‌اند و پراپ نیز در فصل آخر کتاب خود به این موضوع پرداخته است، ما می‌توانیم تعداد این کارکردها را به تعداد کم‌تر از آن‌چه هست، تقلیل دهیم و تعدادی را شکل‌های متفاوت از یک کارکرد و تعدادی را یک جفت به حساب آوریم.

در مورد ساختار و قالب حکایت‌های فرج بعد از شدت باید گفت ساختار و عناصر تشکیل دهنده‌ی حکایت‌های این کتاب، ساختاری کاملاً متفاوت با ساختار قصه‌های پریان دارد. چون این حکایت‌ها جنبه‌ی تعلیمی دارند، گاهی مفهوم بعضی از خویش‌کاری‌ها مثل



وجود قهرمان و اعمال او به معنایی که در قصه‌های پریان ذکر شده و قابل مشاهده است، به چشم نمی‌خورد. منطق خاصی بر این حکایت‌ها حاکم نیست و زمانی که بعید به نظر می‌آید مشکل مورد نظر حل شود، به‌طور غیر منتظره‌ای مشکل حل و بلا رفع می‌شود؛ این ساختار ویژه نیز به خاطر تأکید نویسنده بر امدادهای غیبی و معنوی همچنان که گفته شد، باعث ضعیف شدن پیرنگ این حکایت‌ها شده است.

حکایت‌های این کتاب را قدیمی‌ترین قصه‌های فارسی در بر گرفته‌اند و گاهی موضوع این قصه‌ها و گاه مشابه آنها در کتاب‌هایی چون هزار و یک شب نیز دیده می‌شوند. بعدها نویسندگان و ادیبان بسیاری این قصه‌ها را در آثار خود بیان کرده‌اند و از آن‌ها برای اهداف تعلیمی خود سود جستند.

تأکید نویسنده بر نقش برجسته قضا و قدر، باعث شده است نوعی نگرش مطلق‌گرایی بر تمام کتاب سایه افکند و حکایت‌ها ریخت ثابتی داشته باشند. مثلاً قهرمان‌ها در همه‌ی حکایت‌ها در مقابل مشکلات و بلاها، صبر و بردباری می‌کنند و در نهایت نجات یافته و فرج حاصل می‌شود. همیشه قهرمان - که البته با قهرمان در مفهوم رمانسی یا حماسی آن بسیار متفاوت است و گاهی هیچ کنشی در جهت حل مشکل ندارد - بر سختی‌ها پیروز می‌شود و به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد و تقریباً همیشه دعای شخصیت اصلی داستان و یا یکی از شخصیت‌ها مستجاب می‌شود.

مسأله‌ی تأثیر آنی دعا یکی از مسایل چشم‌گیر در این حکایت‌ها است که از جمله مواردی است که مختص ساختار داستان‌های شرقی است. به‌طوری‌که قهرمان حتی گاهی در خواب این دعا را از شخصی می‌شنود و وقتی بیدار می‌شود، تأثیر آن را مشاهده می‌کند و مشکل را حل شده می‌یابد. این موضوع پیرنگ داستان‌ها را ضعیف می‌کند.

حکایت‌های فرج بعد از شدت اغلب نقطه‌ی مرکزی تجمع حادثه ندارند بلکه اتفاقات اکثراً خطی هستند و تعلیق یا گره‌افکنی که حکایت‌ها را به پیچ و خم و می‌دارد، مشاهده نمی‌شود و وقایع در فضای ساده‌ی حکایت‌ها با طرحی ساده و پشت‌سر یکدیگر اتفاق می‌افتند و ادامه می‌یابند.

اکثر شخصیت‌های این حکایت‌ها افراد حکومتی و از طبقه‌ی بالای جامعه هستند و این موضوع تأثیر چشم‌گیری بر روند و ساختار کلی حکایت‌ها گذاشته است. به‌طوری‌که، روش‌های حل مشکلات در این‌گونه حکایت‌ها اغلب سخنان اعتراف‌گونه‌ای است که از طرف شخصیتی که در سطح پایین‌تری از نظر قدرت، قرار دارد، بیان می‌شود. از جمله شخصیت‌های ثابتی که در اکثر حکایت‌ها وجود دارد، مرد بزرگوار یا

بخشنده‌ای است که به‌وسیله‌ی او مشکل حل می‌شود. این شخصیت گاهی هویت خارجی ندارد و به شکل هائقی غیبی در خواب و بیداری ظهور می‌کند.

خویش‌کاری‌هایی که عناصر اصلی و اساسی این حکایت‌ها را تشکیل می‌دهند و مسیر حرکت آن‌ها را نشان می‌دهند تقریباً همیشه توسط اشخاص مشابه انجام می‌شوند و انتخاب اسامی تاریخی برای این شخصیت‌ها در واقع‌نمایی داستان‌ها بسیار مؤثر است.

در همه‌ی حکایت‌ها تفکر توکل بر خدا و اراده و خواست او (تقدیر‌گرایی) کاملاً آشکار است و داستان فقط به منظور رسانیدن پیام روایت می‌شود.

هیچ‌گونه توصیف و تشریح جزئیات و شاخ و برگ دادن در حکایت‌ها دیده نمی‌شوند مگر در چند مورد محدود. طرح این حکایت‌ها ساده و اکثراً یک حرکتی هستند و از عناصر پیچیده داستانی در آنها خبری نیست. در همه‌ی آن‌ها مشکل در نهایت حل می‌شود و قهرمان بخشیده و در اغلب اوقات به مال و ثروت و مقام والایی نیز دست می‌یابد.

در اغلب حکایت‌هایی که مشکل با سخن راست و مؤثر و با صبر و هرگونه واکنش دیگری از طرف قهرمان یا کمک یاری‌گر حل می‌شود و نه در نتیجه‌ی تأثیر مستقیم دعا، باز هم بن‌مایه‌ی اصلی همان خواست و اراده‌ی خداست ولی تلاش و عکس‌العمل قهرمان نیز در حل مشکل مؤثر است. تفاوتی که این حکایت‌ها با قصه‌های گذشتگان دارد این است که نویسنده از شخصیت‌های عمیق و واقعی استفاده کرده است. در اکثر حکایت‌ها فقط یک حادثه محوری وجود دارد و داستان حول یک محور می‌چرخد ولی گاهی نیز در برخی از حکایت‌ها حادثه‌ی حاشیه‌ای و کم‌رنگ نیز وجود دارد که حذف آن هیچ نقصانی به مفهوم کلی حکایت وارد نمی‌کند.

فکر اساسی و زیربنایی در این حکایت‌ها، آموزش مسائل دینی است.

شخصیت‌های حکایت‌ها به دو گروه مثبت و منفی تقسیم می‌شوند که شخصیت منفی شریر و شخصیت مثبت قهرمان است و یاری‌گر شخصیت خاکستری است چون گاهی به قهرمان کمک می‌کند و گاهی از ارائه‌ی کمک خودداری می‌کند.

در این‌جا برای نمونه سه حکایت از حکایت‌های این کتاب را که از قسمت‌های مختلف آن انتخاب شده است، ریخت‌شناسی می‌کنیم و نمونه‌ی جدول ترتیب یافته برای گزاره‌های ریخت‌شناسانه را می‌آوریم:

## حکایت ۱ صفحه ۶۹

قاضی مزنی حکایت کرد که زنی را دیدم در بادیه و سرما آمده بود و زراعت آن عورت را باطل گردانیده و سبب معاش و مایه انتعاش او از آن بود (بروز مشکل) و مردمان او را در آن مصیبت تعزیت می‌دادند و تصریح می‌فرمودند. او در آن میان دست به قبله‌ی دعا برداشت و روی به آسمان کرد و دعایی بگفت (واکنش - استفاده از شیء ماورائی) که ترجمه‌ی آن این است که خداوند امیدوار به رحمت توام، قادری در عوض دادن آنچه تلف شد به بهترین خلفی که از نعمت خود ارزانی آن‌چه تو لایق دانی از دستگیری درماندگان و پایمردی بیچارگان بکن که روزی ما بر تست. هنوز از آن موضع فراتر نشده بودم که مردی بزرگ از اصحاب دنیا بدان موضع رسید (ظاهر شدن یاری‌گر). آن حال با او حکایت کردند. در حال پانصد دینار زر بدان عورت بخشید، خدای تعالی در نزدیک‌ترین حالتی دعای او را اجابت کرد و فرج قریب ارزانی داشت. (التیام کمبود و رفع مشکل).

## حکایت ۲ صفحه‌ی ۸۶

ابو مروان حامدی گفت چون ابو عبدالله کوفی به واسط در آن روزگار که ناصرالدوله امیر بغداد بود از جهت ناصرالدوله بر مردمان ظلم‌های شنیع کرد و ضیاع و عقار و اسباب مردمان با دیوان می‌گرفت (شرارت) و من از جمله آن مظلومان بودم که ضیعه من در حامده باز گرفت و ارتفاع وقت که جمع بود زیادت از چهل کر برنج بود که یک کر قرب سه هزار من باشد در آن باب با او تظلم داشتم و نافع نیامد. (بروز مشکل) و در آن وقت کری برنج به مبلغ سی دینار بود با او گفتم: ارتفاع ضیاع من تمامت برگرفتی و من خود را و متعلقان را جز این معیشتی دیگر نمی‌دانم که باقی سال با آن بگذرانیم و ضیاع را عمارتی کنم که در سال مستقبل امید ارتفاعی باشد. دل خوشم به آن که ده کر از این مبلغ به من بازگذاری و باقی حالاً طیبیا برداری. البته اجابت نکرد و مسامحت نفرمود. به پنج قانع شدم هم مبذول نداشت. گفتم سه کر مرا مسلم دار و باقی به دل خوش ترا حلال کردم و بگریستم و دست او بوسه دادم و گفتم به وجه تصدق این قدر در حق من انعام کن. سوگندها یاد کرد که یک برنج به تو نگذارم. از صعوبت آن حال به طریق استهزا می‌گفت: برو به خدا تظلم کن و بارها باز می‌گفت و مکرر می‌کرد. خایب و خاسر و سوخته‌دل و نومید از بر او بازگشتم و عیالان خود را جمع کردم و روی به حضرت خدا آوردم و روز و شب به دعا و تضرع و خضوع و

خشوع حال خود به حضرت ربانی عرضه می‌داشتیم (واکنش - استفاده از عامل غیبی). روز یازدهم واقعه‌ای حادث شد که آن ظالم به شب از واسط بگریخت (حل مشکل) و تمامت برنج در خرمن‌گاه بود برگرفتم و با خانه بردم و دیگر هرگز وی را ندیدم. (التیام - نمود).

### حکایت ۳ صفحه‌ی ۱۰۳

حکایت کرد ابوالحسن ابی‌طاهر صاحب‌الجیش گفت ابو‌جعفر محمدبن القاسم بن عبیدالله در وقتی که وزیر القاهر بالله بود خواست که پدر مرا قهر کند و بفروشد تا ما را محبوس و مقید کردند در جایگاهی به غایت تنگ و بر خاک نشاندند و کار بر ما تنگ شد (شرارت) هر روز ما را بیرون می‌آوردند و پدر را به مال مطالبه و مصادره کردند و مرا در پیش پدر شکنجه می‌کردند و او را نمی‌زدند اما تهدید و وعید به‌جای می‌آوردند تا شاید و مشقت‌های بسیار مشاهده کردیم و چند روز در حبس بودیم. یک روز پدر مرا گفت: ما را با این موکلان معرفتی حاصل شد و چند روز در صحبت یکدیگر بودیم. ایشان را مراعاتی نباید کرد و فرمود که فلان صیرفی که دوست من است بنویس تا سه هزار درهم بفرستند و بر ایشان موزع کن. من آنچه فرمود به‌جای آوردم و چون درم برسد و خواستم بر ایشان تسلیم کنم، امتناع نمودند، هر چند کوشیدم البته قبول نکردند. از سبب ابا و امتناع ایشان تفحص کردم و در استکشاف آن بکوشیدم (خبرگیری). بعد از استقصا و مبالغت تمام گفتند: وزیر بر قتل شما عزم کرده است و حکم جزم فرموده نشاید که در چنین حالتی ما از شما قبول کنیم. (کسب خبر).

من از شنیدن این سخن بی‌آرام شدم و اضطرابی هر چه تمام‌تر در من پدید آمد و لون من متغیر گشت (واکنش). و چون پدر را از آن حال آگاه کردم (خبردهی) فرمود که دراهم با صراف فرست. چنان کردم. پدرم در آن ایام که در حبس بود پیوسته صائم بودی. شب چون وقت افطار آمد غسلی فرمود و نماز شام بگزارد و افطار نکرد و بر نماز و دعا و خشوع مداومت نمود و من با او موافقت کردم تا آن‌گاه که نماز خفتن نیز بگزارد پس به دو زانو درآمد و مرا گفت تو نیز هم‌چنین بنشین. چنان کردم. روی به آسمان آورد که قبله‌ی دعاست و دست برداشت که: یارب محمدبن القاسم بر من ظلم کرد و مرا حبس کرد چنین که می‌بینی و قصد جان من کرده است. فانا بین یدیک قد استعنت الیک و انت احکم الحاکمین فاحکم بیننا. (بعد از آن همین می‌گفت که فاحکم بیننا) حکم کن میان ما (استفاده از شیء ماورائی). و بر این هیچ زیادت نمی‌کرد. بعد از آن آواز نیک بلند شد (یاریگر) و این لفظ مکرر می‌گردانید که فاحکم بیننا، به جهر و غلبه هر چه تمام‌تر تا چهار یکی از شب

بگذشت والله که هنوز گفتن فاحکم بیننا قطع نکرده بود، آواز درشنودم و شک نکردم که به قتل ما می‌آیند و از غایت خوف و صعوبت آن حالت بیهوش گشتم، چون نیک بنگردیم شاپور را دیدم - خادم القاهر بالله - با شموع و مشاعل و قومی با او، آواز داد و گفت: ابن ابوطاهر کدام است؟ پدرم برخاست و گفت: منم. گفت: کجاست پسر؟ گفتم: اینک. گفت: بسم‌الله باز گردید به سلامت و عاقبت و مکرم و محترم با منزل خود روید (التیام کمبود). چون بیرون آمدیم معلوم شد که محمدبن القاسم را گرفته بودند و قاهر او را قهر کرده بود - والله لطیف بعباده - در حق ما لطف مبذول داشته. بعد از آن او سه روز در آن قید بزیست و جان به حق تسلیم کرد (مجازات شریر) و کار ما هر روز نیکوتر شد.

نمونه ای از جدول ترتیب یافته برای گزاره‌های ریخت‌شناسی

شماره حکایت	نام حکایت	صفحه	تخصیص‌ها	کشتن	کارکرد ویژه	حوادث (پایاها)	زاویه دید	زمان	مکان
۱	زن تهی دست	۶۹	۱- زن تهی دست ۲- مرد بررگوار	برر مشکل توکل بر خدا رفع کمبود	توکل بر خدا	تلف شدن زراعت به وسایلهی سرما	اول شخص	مهم	مهم
۲	ابومروان خمندی	۸۶ تا ۸۷	۱- ابومروان حامدی ۲- ابوعبدا. کوفی	برر مشکل توکل رفع بلا	تأثیر دعا	گرفتن برنج توسط وایی ظالم	اول شخص	روزگار ناصرالدوله	بغداد
۳	ابوالحسن ابی دفاهر و وزیر القاهر بالله	۱۰۳ تا ۱۰۵	۱- ابوالحسن ابی طاهر ۲- ابوجعفر محمدبن القاسم ۳- موکلان ۴- بدر ابوالحسن ابی طاهر ۵- شاپور	زندانی شدن دعا و تضرع نجات یافتن	تأثیر دعا	زندانی شدن و شکایه مصادره اموال	سوم شخص	روزگار القاهر بالله	مهم

## منابع

- ۱- احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، ج ۴، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- اسکولز، رابرت، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، آگاه، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- پراپ، ولادیمیر، *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، ج ۲، توس، ۱۳۸۶.
- ۴- *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان*، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، توس، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- التبوخی، ابوعلی محسن بن علی، *الفرج بعد الشده*، منشورات وزارت الثقافه، سوریه، ۱۹۹۵.
- ۶- تودوروف، تزوتان، *بوطیقای ساختار*، ترجمه‌ی محمد نبوی، آگاه، تهران، ۱۳۷۹.

- ۲۰ \_\_\_\_\_ مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان
- ۷- \_\_\_\_\_ *نظریه ادبیات*، (متن‌هایی از فرمالیست‌های روس)، ترجمه‌ی عاطفه طاهایی، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- دادور، المیرا، *ریخت‌شناسی داستان کوتاه*، مجموعه مقاله‌های پژوهش زبان‌دای خارجی، شماره‌ی ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۹- دهستانی، حسین بن اسعد، ترجمه *فرج بعد از شدت*، تصحیح اسماعیل حاکمی، آلا، انتشارات امید مجید، سال ۱۳۸۳.

### منابع مطالعه شده

- ۱۰- خدیش، پگاه، *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۱- دقیقیان، شیرین‌دخت، *منشأ شخصیت در ادبیات داستانی*، چاپ رنگ، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۲- سجودی، فرزانه، *لیلی و مجنون و نقد نقد ساختارگرایی*، ماهنامه ادبی، هنری، فرهنگی، اجتماعی، بایا، دوره دوم، سال اول، شماره‌ی ۳، ۵.
- ۱۳- سلدون، رامان، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۴- گروه نویسندگان، *ادبیات داستانی در ایران زمین*، ترجمه پیمان متین، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- ۱۵- گلشیری، احمد، *داستان و نقد داستان*، ج ۱، چ ۳، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- مستور، مصطفی، *میانی داستان کوتاه*، چ ۴، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۷- میرصادقی، جمال، *عناصر داستان*، چ ۵، سخن، تهران، ۱۳۸۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی